

عرف و عنعنات ناپسند و تطبيق قانون منع خشونت عليه زنان د افغانستان



© UNAMA



UNAMA

هيئت معاونت ملل متحد در افغانستان



OHCHR

دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر

افغانستان، کابل، 9 دسمبر 2010

خلاصه گزارش

گسترده گی عرف و عنعنات ناپسند از قبیل ازدواج زودهنگام (ازدواج درسین پائین)، ازدواجهای اجباری، به ازدواج دادن دختران جهت حل منازعه (بد دادن)، ازدواج سر بدل و قتل های ناموسی سبب تحقیر، رنج و انزوای ملیون ها زن افغان میشوند. اینگونه عنعنات ریشه در دیدگاهها و باورهای تبعیض آمیز نسبت به نقش و جایگاه زنان در جامعه افغانستان دارد. بسیاری افغانها به شمول یک تعداد از علمای دینی با استناد به تفسیر شان از اسلام این عنعنات را تقویت میکنند، درحالیکه در بسیاری از موارد این عنعنات مطابق با شریعت اسلامی و قوانین افغانستان و همچنان حقوق بین المللی نمی باشند که در نتیجه منجر به نقض حقوق بشری زنان میگردد.

گزارش 56 صفحه ای بخش حقوق بشر دفتر یوناما " عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان" عنعنات مشخص را در سراسر افغانستان که حقوق زنان و دختران را نقض میکنند، به تصویر کشیده و واکنش دولت جمهوری اسلامی افغانستان را در برابر این عنعنات توضیح و پیشنهادات را جهت پایان دادن به آن ارائه می نماید. بر اساس یک تحقیق وسیع و مصاحبه با زنان، مردان، مقامات دولتی، رهبران مذهبی، فعالان حقوق زن، نهادهای مدنی و گروههای اجتماعی در 29 ولایت از 34 ولایات افغانستان در سال 2010، بخش حقوق بشر دفتر یوناما دریافته است که همچون عرف و عنعنات در میان تمام جوامع افغانستان اعم از شهری و روستائی و در میان تمام اقوام افغانستان به درجات مختلف و به طور فراگیر وجود دارند. بر اساس یافته های فوق، این عنعنات به خاطر ناکامی دولت در حفاظت از حقوق زنان و دختران، گسترده تر و عمیق تر شده است، بر این اساس گزارش ضرورت به تسریع تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را که بسیاری از این عنعنات را جرم دانسته، برجسته ساخته است.

در این گزارش عنعنات ناپسند که هم در قوانین افغانستان جرم دانسته شده و هم در تضاد با شریعت اسلامی قرار دارد، درج میباشند و گزارش به مواد مربوطه قانون منع خشونت علیه زنان و قواعد شرعی که مکمل آن میباشد استناد نموده است. در استناد به قواعد شرعی با تعداد زیاد از کارشناسان مسائل اسلامی بحث شده که در روشنائی آن تحلیل بخش حقوق بشر دفتر یوناما از شریعت اسلامی صورت گرفته است. در گزارش، نقش علمای دینی، متنفذین و میکانیزم سنتی حل منازعات، هم در تداوم و هم در محو عنعنات ناپسند برجسته ساخته شده است. گزارش یافته های خویش را بر اساس برداشت جامعه از عنعنات ناپسند، ارائه میکند تا دولت، علمای دینی، اجتماعات و تمویل کنندگان بین المللی بتوانند در روشنائی آن تدابیر بهتر را جهت خاتمه دادن به این عنعنات اتخاذ نمایند.

در ماه اگست 2009 دولت قانون منع خشونت علیه زنان را تصویب نمود که اگر درست تطبیق می شد بسیاری از عنعنات ناپسند را از بین می برد. قانون مذکور در صدد از بین بردن عنعنات، رسوم و رفتارهای است که باعث خشونت علیه زنان میگردد و در تناقض با دین اسلام قرار دارد. این قانون ازدواجهای اجباری، ازدواجهای زودهنگام، خرید و فروش زنان حتی به منظور ازدواج، اجبار به خودکشی، انزوای اجباری و منع از تحصیل، کار و دست رسی به خدمات صحتی را غیر قانونی میداند. قانون منع خشونت علیه زنان صلاحیت اتخاذ تدابیر بازدارنده را به هفت وزارت دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور تطبیق این قانون و ایجاد کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان، تفویض نموده است. با اینکه قانون منع خشونت علیه زنان گام بزرگی در راستای حمایت از حقوق بشری زنان در افغانستان میباشد، ولی بخش حقوق بشر دفتر یوناما بعضی خلاهایی را در این قانون مشاهده نموده است، مانند: جرم ندانستن تخلفات که تحت نام دفاع از ناموس انجام میشوند، عدم تعریف دقیق از تجاوز جنسی به منظور تشخیص آن از فعل "زنا" و لزوم توقف اقدامات عدلی علیه متهم یا مجرم در صورت انصراف متضرر. باوجود این خلاها، بخش حقوق بشر دفتر یوناما و بسیاری از مدافعین حقوق زن به این باور هستند که آگاهی دهی راجع به این قانون و تطبیق کامل آن در حال حاضر یک ضرورت مبرم برای حفاظت از حقوق زنان و دختران میباشد. با آن هم این بخش به این عقیده است که تضمین کامل حقوق زنان ایجاب بازنگری این قانون را نیز مینماید.

بخش حقوق بشر دفتر یوناما دریافته است که اکثراً مقامات تطبیق کننده قانون یا مایل به تطبیق قوانین حافظ حقوق زن نیستند و یا هم قادر به تطبیق آنها نمی باشند که این حالت انفعالی یکی از عوامل اساسی در تداوم عنعنات ناپسند میباشد. این بخش مشاهده نموده است که در بسیاری از مناطق و ولایات دوردست مردم و مقامات دولتی از نافذ بودن قانون منع خشونت علیه زنان مطلع نیستند، در نتیجه این قانون بدون تطبیق باقی می ماند، درحالیکه در بعضی از مناطق باوجود آگاهی پولیس و ارگانهای عدلی و قضائی از قانون مذکور، باز هم آنها جهت تطبیق درست آن به رهنمود های بیشتر از دفاتر مرکزی شان دارند ضرورت دارند.

بخش حقوق بشر دفتر یوناما (بخش حقوق بشر) ملاحظه نموده است که بعضاً تفاسیر مشخص از احکام دینی جهت توجیه تعداد از عنعنات ناپسند استفاده میشود درحالیکه این عنعنات با تعالیم دین اسلام سازگار نیست. بادر نظر داشت اینکه اسلام جایگاه محوری در قانون اساسی دارد، گزارش مستند ابراز میدارد که در شریعت اسلامی ازدواج اجباری و به ازدواج دادن

دختران جهت حل منازعه (بد دادن)، و بعض دیگر از رسوم و عنعنات ناپسند ممنوع میباشد. به این اساس بخش حقوق، پیشنهاد می نماید که دولت افغانستان ابتکار عمل را در انکشاف تفسیر جامع از قانون شریعت بدست بپیگیرد تا نشان دهد که حقوق تضمین شده در قوانین ملی و بین المللی با قواعد و آموزه های دینی سازگار است.

"بد" دادن دختران جهت حل منازعات تحت عنوان "بد" یکی از شدید ترین نوع خشونت علیه زنان در افغانستان میباشد. بخش حقوق بشر دریافت کرده است که بد دادن دختران در سراسر افغانستان صورت میگیرد در حالیکه این عمل در قانون جرم دانسته شده است. با وجود فراگیر بودن بد دادن در افغانستان، بسیاری از زنان و مردان در جریان مصاحبه مخالفت شدید خویش را نسبت به آن ابراز داشتند. زنان در ولایت فاریاب به بخش حقوق بشر گفت که دختر که به بد داده میشود "هرگز در خانواده شوهرش مورد احترام قرار نمی گیرد و آنها وی را شریک جرمی که توسط عضو مرد خانواده اش ارتکاب یافته، میدانند و به عنوان یک خدمت کار و یک وسیله انتقام با او رفتار میکنند و بعضاً او مجبور میشود تا با حیوانات در طویله شب را سپری کند.

با استفاده از مباحث که در سراسر افغانستان صورت گرفت و تحلیل قضایای گزارش شده، بخش حقوق بشر دریافت کرده است که بسیاری از ازدواجها در افغانستان به خاطر عدم موجودیت رضایت که به طور آزادانه و آگاهانه ابراز شده باشد، اجباری میباشند که از جمله شامل بد دادن دختران، ازدواج زودهنگام (که طبیعتاً اجباری است) اجبار زنان بیوه به ازواج با خویشان و زنان شوهر متوفی اش و ازدواج سربدل، میشود.

ازدواج دختران زیر سن 16 سال، بعضاً در موارد محدود تحت شرایط خاص زیر 15 سال در قوانین افغانستان ممنوع میباشند، در حالیکه ازدواج دختران خردسال در سراسر افغانستان و در بین تمام اقوام ساکن در افغانستان معمول میباشند. آمار دقیق از این گونه ازدواجها درست نیست ولی مطالعات بخش حقوق بشر نشان میدهد که تقریباً نصف دختران در افغانستان قبل از تکمیل 15 سال به ازدواج داده میشوند.

با وجود وسعت ازدواج های اجباری در افغانستان، تمام مردان و زنانی که در این گزارش مصاحبه شده است، ازدواج زودهنگام یا زیر سن قانونی را یکی از جدی ترین عنعنات ناپسند در افغانستان دانسته اند. آسیب به صحت، تحصیل و رفاه دختران از پیامدهای ماندگار این گونه ازدواجها میباشند. افغانستان بلند ترین رقم مرگ و میر مادران را در جهان دارد و بسیاری از این مرگ و میرها دامن گیر زنانی میشود که قبل از سن 16 سالگی به ازدواج داده شده اند.

طویانه (پول که به از طرف خانواده داماد به خانواده عروس داده میشود) گزاف که توسط خانواده ها جهت ازدواج فرزندان شان پرداخته میشود، یکی از عنعنات ناپسند در افغانستان توسط مصاحبه شوندهگان دانسته شده است. با در نظر داشت فقر گسترده در افغانستان، طویانه زیاد معمولاً به ازدواج های اجباری، ازدواجهای زودهنگام، فروش دختران و خشونت های خانوادگی منجر میشود. در نتیجه این گونه طویانه های گزاف بعضاً مردان به خاطر مقروض شدن شدید و مجبور شدن به کارهای سخت جهت ادای دین خویش، عهده ای میشوند و این عهده خویش را بالای همسران خود میگذارند.

بخش حقوق بشر هیچ توجیه را در قانون و شریعت اسلامی برای محدود کردن آزادی رفت و آمد مشروع زنان که توسط عنعنات اعمال میشود نمی بیند. یک زن از اعضای پارلمان به بخش حقوق بشر گفت "به من اخطار داده شد که کارکنم به خاطر که کارزن بیرون از منزل ننگ است و در شریعت اسلامی ممنوع میباشند و معاش که من دریافت میکنم حرام میباشند، بنا بر این من باید در خانه بمانم".

بخش حقوق بشر موارد از قتل های ناموسی، معمولاً زنان، را مستند سازی نموده است که توسط یک یا بیشتر از اعضای فامیل قربانی ارتکاب میگردد به باور اینکه قربانی مذکور مایه سرافکندگی فامیل شده است. اکثر افراد از منزل جهت نجات از یک ازدواج اجباری و دخیل بودن در یک رفتار سوال برانگیز (مشکوک) با یک مرد، منحصراً رسوایی و سرافکندگی برداشت میشوند. روی این ملحوظ گزارش تعدیل قانون جزاء را جهت حذف تخفیف در نظر گرفته شده در آن برای مرتکبین قتل های ناموسی، پیشنهاد میکند.

خودکشی (خودسوزی) یکی از پیا مدهای غم انگیز عرف و عنعنات ناپسند است که در بعضی نقاط کشور این روند رو به رشد میباشند. داکتر مسئول در تنها مرکز ویژه درمان سوختگی در افغانستان، ازدواج اجباری را عامل اصلی خودکشی معرفی کرد. وی میگوید "زنان جوان در بدل گوسفند یا حتی تریاک به ازدواج مردان پیر داده میشوند یا فروخته میشوند ... آنها گاهی به خاطر فشار از ناحیه شوهر یا مادر شوهرش از شوراهای محلی کمک میخواهند که در آنجا نیز مورد تحقیر و سوء استفاده قرار میگیرند".

پولیس و ارگانهای عدلی قضائی اکثر در تطبیق یکسان قانون ناکام بوده. آنها یا مایل به تطبیق قوانین که حقوق زنان را مورد حمایت قرار میدهند نیستند و یا هم قادر به تطبیق آن نمی باشند. در اجرای عدالت ارگانهای مذکور اکثر اً گزینشی عمل میکنند. در مواردی که زنان منحصراً ناقض هنجارهای اجتماعی معرفی میشود، آنها قضیه را مورد پیگرد عدلی قرار میدهند ولی در مواردی که زنان قضایای خشونت علیه خویش را گزارش میدهند یا ازدواجهای زودهنگام به آنها

گزارش داده میشوند به سادگی میگویند " این ها مسائل شخصی و خانوادگی است" و به پیگیری آن اقدام نمی کنند. این وضعیت توسط تعداد زیاد از زنانی که به خاطر ارتکاب "جرایم اخلاقی" در محابس، سلب آزادی شده اند؛ بیان گردید. در مواردی که وضعیت اجتماعی و فرهنگی به زنان اجازه مخالفت با عنعنات ناپسند یا فرار از خشونت رانمی دهد، آنها بعضاً به خاطر نجات از خشونت دست به فرار از منزل میزنند. باوجود که فرار از منزل در قوانین افغانستان جرم نیست ولی بازهم مجریان قانون اکثراً دخترانی را که به آن متوسل میشوند؛ دست گیر، توقیف و تحت تعقیب عدلی قرار میدهند. اتهام وارده در این موارد معمولاً "قصد ارتکاب عمل زنا" میباشد. چندین مطالعات نشان میدهد که نصف از بازداشت شده گان زن که تقریباً به 300 نفر میرسد به اتهام جرایم اخلاقی توقیف شده اند. به طور مثال در جلال آباد هنگامیکه پولیس کشف نمود که یک دختر 17 ساله در یکی از هتل ها تنها (بدون محرم) میباشد وی را به اتهام قصد ارتکاب جرم زنا دست گیر نمود. تحقیقات بخش حقوق بشر بعداً دریافت که دختر مذکور در سن 13 سالگی به ازدواج داده شده بوده و علاوه بر تحمل بد رفتاری، توسط خانواده شوهرش از تمام مرادات با آزارش محروم شده بود. بخش حقوق بشر، پیشرفت هایی را نیز در قسمت عکس العمل دولت در مقابل عنعنات ناپسند نیز مستند سازی نموده است. بعضاً مقامات دولتی از دختران که به ازدواجهای اجباری اعتراض داشتند حمایت کامل به عمل آوردند. در دسمبر 2009 در ولایت نیمروز، خانواده یک دختر 12 ساله با ازدواج دخترشان که ده سال قبل در زمانی که دختر دوساله بود وی را به عقد مردی در آوردند که آن زمان 60 ساله بود، مخالفت کردند. ده سال بعد از عقد زمانی که مرد مذکور خواستار رسمی شدن ازدواج گردید، دختر این خواست را رد کرد و گفت که وی به این ازدواج موافقت نکرده و حاضر نیست همسر یک مرد 70 ساله شود. خانواده دختر، پول جانب مقابل را که به این منظور گرفته بود برگرداند و پولیس نیز هشدار داد که وی نمیتواند با دختر مذکور با اجبار ازدواج کند. بخش حقوق بشر دریافته است که بعضی از رهبران مذهبی و اجتماعی در تداوم عرف و عنعنات نا صحیح تلاش کرده اند، درحالیکه این عنعنات در تناقض با معتقدات اسلامی قرار دارند. بسیاری از مردان و زنانی که مصاحبه شدند گفتند که تدویر برنامه های آموزشی و فراهم نمودن زمینه تحصیلی برای رهبران مذهبی یکی از راه های اختتام عرف و عنعنات مذکور می باشد. پند و اندرزهای این رهبران میتواند جامعه را نسبت به عرف و عنعنات ناپسند که با شریعت اسلامی سازگار نیست و باعث تبعیض علیه زنان می گردد، آگاه نماید. بعضی از این رهبران مذهبی در حمایت از حقوق زنان صحبت های موثر انجام داده اند. در یک کنفرانس که به مناسبت روز جهانی زن در سال 2010 در شهر جلال آباد دایر شده بود، 15 عضو شورای علمای ولایت ننگرهار تعهد کردند که در آموزشهای خود در مساجد نسبت به عرف و عنعنات ناپسند به مردم آگاهی دهند. واحد حقوق بشر، نمونه هایی از شخصیت های با نفوذ مذهبی را می شناسند که ازدواج های سربدل و طویانه گزاف را تقبیح می کنند. تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زنان مستلزم سرمایه گذاری زیاد روی ظرفیت سازی کارمندان ارگان های تنفیذ قانون و ارائه خدمات به قربانیان خشونت می باشد. محکومیت بر اساس قانون مذکور میتواند در جلوگیری مرتکبین خشونت علیه زنان از ارتکاب خشونت، ممد واقع شود و درعین زمان باید عامه مردم افغانستان از موجودیت قانون مذکور و رفتارهایی که این قانون جرم دانسته، مطلع شوند. آگاهی عامه در سراسر افغانستان راجع به پیامدهای اجتماعی منفی عرف و عنعنات ناپسند نیز برای رسیدن به این هدف ضروری می باشد. همین طور برای تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زنان، جامعه مدنی باید در قسمت فعالیت های نظارت، آگاهی دهی و دادخواهی مورد حمایت قرار گیرد. بخش حقوق بشر دفتر یوناما به این باور است که تا زمانی که زنان و دختران در معرض رسومی که به آنها ضرر رسانده و یا آنها را مورد تحقیر و توهین قرار داده و از حقوق اولیه شان محروم می سازند، قرار داشته باشند؛ پیشرفت واقعی و پایدار در عرصه حقوق زنان بسیار اندک خواهد بود. تامین حقوق زنان و دختران در افغانستان، مانند حق اشتراک در امور جمعی به شمول اشتراک در پروسه جاری صلح، مصالحه و ادغام مجدد، دسترسی به مراقبت های صحی کافی، دسترسی مساوی به فرصت های شغلی و تحصیلی، نه تنها مستلزم ضمانت های قانونی می باشد بلکه مهمتر از آن تطبیق درست آن ضمانت ها را نیز ایجاب می نماید. بخش حقوق بشر از دولت افغانستان، رهبران مذهبی، مردم افغانستان و تمویل کنندگان بین المللی درخواست می کند که تمام تدابیر لازم را به منظور خاتمه دادن به عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق کامل و بدون تأخیر قانون منع خشونت علیه زنان، اتخاذ نمایند.

پیشنهادهای کلیدی:

- دولت افغانستان در بالاترین سطح به شمول رئیس جمهور به طور علنی روی این موضوع تأکید نماید که انکشاف و حفاظت حقوق زنان، بخش جدا ناپذیر و یکی از اولییت های اصلی برنامه صلح، مصالحه و ادغام مجدد در سراسر افغانستان و همچنان ستون مرکزی استراتیژی های اقتصادی، سیاسی و امنیتی میباشد.

- دولت پروسه تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، خاصاً اتخاذ یک استراتژی ملی برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را تسریع ببخشد. به عنوان یک قدم فوری رئیس جمهور میتواند طی فرمانی زنان ودختران را که به خاطر "فرار از منزل" دست گیر وزندانی شده اند، آزاد نماید. (معمولاً زنان که از منزل فرار میکنند متهم به قصد ارتکاب عمل زنا میشوند).
- ستره محکمه و لوی څارنوال ، ذریعه متحد المال ها و رهنمودها به محاکم و څارنوالی ها دستور دهند که قانون منع خشونت علیه زنان را تطبیق نمایند. پولیس و څارنوالان مطابق قانون، تمام شکایاتی را که در رابطه با عرف و عنعنات ناپسند که در قانون جرم دانسته شده و به ادارات آنها تقدیم می گردد، ثبت نمایند. دفتر لوی څارنوالی به تحقیق و تعقیب عدلی شکایات متذکره فوراً اقدام نماید.
- وزارت عدلیه در همکاری با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان باید برنامه های آموزشی و ظرفیت سازی را راجع به قانون منع خشونت علیه زنان، به شمول شناسائی، تحقیق و تعقیب عدلی و قضایی ازدواج اجباری و ازدواج های زود هنگام و بد دادن دختران برای تمام کارمندان ارگانه های تنفیذ قانون، دایر نمایند.
- علمای دینی همراه با وزارت حج و اوقاف ووزارت امور زنان باید برای ملا امامان مساجد و معلمان مسائل دینی، پروگرامهای آموزشی را راجع به حقوق زنان وقانون منع خشونت علیه زنان، انکشاف داده ودایر نمایند. رهبران مذهبی باید به طور صریح راجع به تناقض عنعنات ناپسند با تعالیم دینی و اصول اسلامی صحبت نمایند ومباحث باز را راجع به حقوق زنان در میان کارشناسان مسائل اسلامی برگزار نمایند.
- تمویل کنندگان بین المللی باید حمایت های خویش را از ابتکارات دولت افغانستان که به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان وتطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان روی دست گرفته میشود، افزایش دهند.

مشروح پیشنهادات:

به دولت جمهوری اسلامی افغانستان

- دولت افغانستان در بالاترین سطح به شمول رئیس جمهور به طور علنی روی این موضوع تأکید نماید که انکشاف وحفاظت حقوق زنان، بخش جدا ناپذیر و یکی از اولییت های اصلی برنامه صلح، مصالحه وادغام مجدد در سراسر افغانستان وهمچنان ستون مرکزی استراتژی های اقتصادی، سیاسی وامنیتی میباشد.
- از تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زنان به شمول تعقیب عدلی عرف و عنعنات ناپسند که در این قانون جرم دانسته شده اطمینان حاصل نماید. همین طور از ارائه خدمات به قربانیان (خشونت) وحمايت کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان را نیز مطمئن گردد. .
- تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، خاصاً تدوین و عملی کردن یک استراتژی جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را تسریع ببخشد.
- رئیس جمهور فرمان را مبنی بر آزادی فوری زنان ودختران که به خاطر " فرار از منزل" که یک عمل جرمی در قانون دانسته نشده، صادر نماید. (معمولاً در این گونه موارد زنان به" قصد ارتکاب فعل زنا" متهم میشوند).
- رئیس جمهور باید یک گفتمان ملی رایج منظور انکشاف یک تفسیر جامع از شریعت که مطابق با قوانین موضوعه افغانستان و تعهدات بین المللی حقوق بشری افغانستان باشد، روی دست گیرد.

وزارت عدلیه

- همراه با وزرات داخله با اجرای تحقیق و تعقیب عدلی موثر از تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان توسط پولیس و څارنوالان و ثبت تمام شکایاتی که علیه عرف و عنعنات ناپسند که جرم دانسته شده، اطمینان حاصل نماید.

- همراه با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان باید برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی را راجع به قانون منع خشونت علیه زنان، به شمول شناسایی، تحقیق و تعقیب عدلی قضایای ازدواج اجباری و ازدواج‌های زودهنگام (ازدواج در سنین پائین) و بد دادن دختران برای تمام کارمندان ارگانه‌های تنفیذ قانون، دایر نماید.
- به قربانیان خشونت که با استناد به قانون منع خشونت علیه زنان شکایت درج می‌کنند، خدمات حقوقی ارائه نماید.
- لغو ماده 398 قانون جزاء را به پارلمان پیشنهاد نماید که در آن مجازات قتل‌هایی که تحت نام "دفاع از ناموس" صورت می‌گیرد، تخفیف داده شده است.
- همراه با ستره محکمه و پارلمان تدوین قوانینی که ثبت ازدواج را اجباری سازد و زن و شوهر را ملزم به حضور در نزد مرجع ثبت کننده سازد، در نظر گیرد.
- تعدیل قانون مدنی را به پارلمان پیشنهاد نماید تا مطابق با حق تساوی در برابر قانون که هم در قانون اساسی و هم در معیارهای حقوق بشری ضمانت شده، 18 سالگی را حداقل سن برای ازدواج اعم از زن و مرد پیشبینی نماید.
- به منظور مطابقت قوانین با معیارهای ملی و بین المللی حقوق بشری، همراه با ستره محکمه و لوی څارنوالی، قوانینی را که بر حقوق زنان تاثیر دارد، بازنگری نموده و هر موردی را که با ضمانت‌های حقوق بشری مغایرت دارد تعدیل و یا لغو نماید. سهم‌گیری فعالانه جامعه مدنی را در پروسه بازنگری قوانین تضمین نماید.
- بازنگری قانون منع خشونت علیه زنان، و ارزیابی چگونگی تطبیق آن به منظور شناسایی ساحات لازمه جهت اصلاحات مناسب، را شروع نماید. به طور مثال، در نظر گرفتن تعدیل ماده 39 این قانون که تعقیب عدلی را به شکایت متضرر منوط دانسته است.
- از مطابقت قانون پیشنهاد شده، که رابطه بین نظام عدلی رسمی و میکانیزم سنتی حل منازعات (جرگه و شورا) را تعریف می‌کند، با تمام قوانین ملی به شمول قانون منع خشونت علیه زنان اطمینان حاصل نماید. همینطور از ممنوعیت رسیدگی به نقض فاحش حقوق بشری توسط این میکانیزم‌ها نیز مطمئن گردد.

ستره محکمه و دفتر لوی څارنوالی

- به محاکم و څارنوالی‌ها متحدالمالهایی را به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان صادر نمایند و در آن رهنمود تطبیق قانون مذکور و رابطه آن با سایر قوانین جزائی را بگنجانند.
- دلایل قانونی دستگیری، تعقیب و مجازات زنائی را که به اتهام ارتکاب "جرائم اخلاقی" با در نظر داشت ماده 130 قانون اساسی مورد پیگرد عدلی قرار گرفته‌اند، بازنگری نمایند. شورای عالی ستره محکمه باید بازنگری متحدالمالی را که راجع به قضایای "فرار از منزل" صادر نموده بود جهت مطابقت آن با تضمینات قانون اساسی، شریعت اسلامی و تعهدات بین المللی حقوق بشری دولت افغانستان، مد نظر بگیرد.

وزارت امور زنان

- کمک‌های هدفمند به زنان به منظور درج شکایات در ادارات پولیس و څارنوالی علیه عرف و عنعنات ناپسند ارائه نماید.
- از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان هم در ولایات و هم در کابل به قدر کافی حمایت نماید. کمیسیون‌های متذکره را در تمام ولایات ایجاد نموده و تدابیر لازم را جهت حصول اطمینان از موثریت کارکردهای آنها اتخاذ نماید.
- کمپاین سراسری را با مردان و زنان جهت آگاهی‌دهی راجع به قانون منع خشونت علیه زنان به منظور حساس ساختن عامه مردم نسبت به خشونت علیه زنان و حقوق زنان با تمرکز خاص روی مناطق روستائی راه اندازی نماید.
- همراه با وزارت های صحت عامه و معارف، از طریق فراهم ساختن خانه امن، کمکهای روانی – اجتماعی (psycho-social)، تداوی، دست رسی به تحصیل از زنان و دختران که قربانی عرف و عنعنات ناپسند شده حمایت به عمل آورد.

وزارت داخله

- واحد پاسخ دهی خوانوادگی رادراداره پولیس تقویت نماید به شمول استخدام هرچه بیشتر افسران پولیس زن.

وزارت حج و اوقاف

- پروگرام های آموزشی را برای ملا امامان و معلمین مسائل دینی راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زنان، انکشاف و تدویر نماید

- مواد آموزشی را که کمک کننده و مکمل قانون منع خشونت علیه زنان باشد، مبتنی بر شریعت اسلام، تدوین نماید.

وزارت اطلاعات و فرهنگ

- برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی را به منظور آگاهی‌دهی عامه و با تمرکز روی جوامع روستایی راجع به قانون منع خشونت علیه زنان، خشونت علیه زنان و پیامدهای آن تولید و پخش نماید.

وزارت صحت عامه

- پروگرام‌های خاص را برای درمان فوری و مجانی زنان و دخترانی که قربانی خشونت قرار گرفته، طرح و تطبیق نماید.
- اطلاعات مربوط به تأثیر ازدواج زود هنگام بر افزایش مرگ و میر مادران و نوزادان را جمع‌آوری و تحلیل نماید.

وزارت معارف و تحصیلات عالی

- نصاب تعلیمی را برای مکاتب پسران و دختران انکشاف دهد که در آن مسائل خشونت علیه زنان به شمول ممنوعیت قانونی عرف و عنعنات ناپسند و ازدواج زودهنگام برجسته گردیده باشد.
- پروگرام‌هایی را، به شمول دادن مشوق‌های مالی به خانواده‌ها، به منظور بازگرداندن دختران به مکاتب طرح و تقویت نماید.

وزارت مالیه

- وزارت مالیه منابع و حمایت لازم را برای وزارت‌های امور زنان، حج و اوقاف، عدلیه، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، معارف و تحصیلات عالی فراهم نماید تا آنها بتوانند مسئولیت‌های متذکره‌شان در قانون منع خشونت علیه زنان را ایفا نمایند.

به علمای دینی

- همراه با سایر وزارت‌های مربوطه (وزارت حج و اوقاف و وزارت امور زنان) باید برای ملا امامان مساجد و معلمین دینی، پروگرام‌های آموزشی را راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زنان، انکشاف داده و دایر نمایند.
- مواد آموزشی مبتنی بر شریعت اسلام که ممد و مکمل قانون منع خشونت علیه زنان باشد، تدوین و انکشاف دهند.
- همراه با وزارت امور زنان کمپاین سراسری به منظور آگاهی‌دهی راجع به خشونت علیه زنان و پیامدهای آن و قانون منع خشونت علیه زنان راه اندازی نماید. در این کمپاین تمرکز روی مناطق روستایی صورت گیرد.
- به طور صریح راجع به تناقض عرف و عنعنات ناپسند با تعالیم دینی و اصول اسلامی صحبت نمایند و مباحث آزاد را راجع به حقوق زنان در میان کارشناسان مسائل اسلام برگزار نمایند.
- رئیس جمهور را کمک نمایند تا یک گفتمان ملی را به منظور ترویج تفسیر جامع و سازگار از شریعت اسلامی منطبق با قوانین داخلی و تعهدات بین المللی حقوق بشری افغانستان، راه اندازی نماید.
- از ستره محکمه خوستار بازنگری دلایل حقوقی دستگیری، تحقیق و مجازات زنان به خاطر ارتکاب "جرائم اخلاقی" شوند. همین طور خواستار تغییر متحد المال ستره محکمه که راجع به قضایای "فرار از منزل" صادر نموده بود، شوند.

به جامعه مدنی (کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سازمانهای حقوق بشر و سازمانهای زنان)

- تطبیق فعالانه قانون منع خشونت علیه زنان را ترغیب نمایند. برنامه‌هایی را جهت نظارت از تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان و گزارش دادن راجع به چگونگی تطبیق قانون مذکور توسط ارگان‌های دولتی به شمول تعقیب عدلی، طرح و اجرا نمایند.
- کمک‌های هدفمند را به زنان جهت ثبت شکایات‌شان در ادارات پولیس و خانونالی علیه عرف و عنعنات ناپسند، فراهم نمایند.
- همراه با مطبوعات، منتقدین و شوراها؛ از طریق مساجد و وزارت حج و اوقاف، جلسات آموزشی را برای رهبران مذهبی و اجتماعی راجع به حقوق زنان، خشونت علیه زنان و عنعنات ناپسند دایر نمایند.

- از سهمیم بودن جامعه مدنی در تمام پروسه‌های دولتی که به منظور بازنگری قوانینی که بر حقوق زنان تأثیر دارد، اطمینان حاصل نمایند.
- از دولت الغای ماده 398 قانون جزاء را بخواهند که در آن تخفیف در مجازات قتل که تحت نام "دفاع از ناموس" صورت می‌گیرد، پیشبینی شده است.
- از دولت بخواهند که تمام زنان محبوس را که به خاطر ارتکاب به اصطلاح "جرائم اخلاقی" محبوس شده‌اند، آزاد نمایند و همچنان خواستار بازنگری متحد المالی شوند که راجع به "جرم فرار از منزل" صادر شده است.

به تمویل کنندگان (دو نرها) بین المللی

- حمایت‌شان را از ابتکارات دولت که به هدف تنفیذ قانون منع خشونت علیه زنان به شمول آموزش مقامات، کمپاین‌های آگاهی‌دهی سراسری و کمک به کمیسیون منع خشونت علیه زنان در ولایات روی دست گرفته می‌شوند، افزایش دهند.
- دولت را در راستای تطبیق پلان کاری برای زنان افغانستان، خاصاً در انکشاف و اجرای یک استراتیژی ملی به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان، یاری نمایند.
- آن عده از پروگرام‌هایشان را که کمک‌های تخنیکی به دفاتر خاړنوالی در ولایات ارائه می‌کنند و خاصاً به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان طرح گردیده، توسعه ببخشند.
- حمایت‌های هدفمند برای ابتکارات دولت افغانستان و جامعه مدنی که به هدف محو ازدواج در زودهنگام و سایر عرف و عنعنات ناپسند روی دست گرفته شده، فراهم نمایند.
- کمپاین‌های موثر آگاهی‌دهی عامه را که راجع به غیر قانون بودن عرف و عنعنات ناپسند در قانون منع خشونت علیه زنان راه اندازی می‌گردد، حمایت نمایند.
- از پروگرام‌های آگاهی‌دهی مردان راجع به حقوق زنان و قانون منع خشونت علیه زنان، حمایت به عمل آورند.
- پروگرام‌های آموزشی جامعه مدنی را که برای ملا امامان و آموزگاران دینی راجع به شریعت اسلامی، حقوق بشر و محو عرف و عنعنات ناپسند تدوین گردیده، مورد حمایت قرار دهند.
- پروگرام‌هایی را که به خانواده‌ها به منظور نگهداشتن دختران‌شان در مکتب مشوق مادی ارائه می‌کنند، توسعه ببخشند.
- به حمایت‌های شان از خانه‌های امنی که به قربانیان خشونت سرپناه مهیا می‌کند، افزایش دهند و از امنیت و مدیریت درست این خانه‌های امن کاملاً اطمینان حاصل نمایند تا حفظ کرامت انسانی قربانیان در آنجا ضمانت گردد.
- از رئیس جمهور خواستار آزادی زنانی گردند که به اتهام ارتکاب جرائم به اصطلاح "جرائم اخلاقی" در توقیف بوده و یا محبوس شده‌اند.
- از دولت (تمام ادارات مربوطه) بخواهند که قوانینی را که بر حقوق زنان موثر است، مورد بازنگری قرار دهند تا از مطابقت آنها با تعهدات ملی و بین المللی حقوق بشری افغانستان مطمئن شوند.